

## روایتگری خشم و ترس در حکایت هایی از کلیله و دمنه و گلستان

### چکیده محتوایی

بیان مدعا (دکتر خدایی):

کلیله و دمنه و گلستان دو متن تعلیمی برای ارتقای اخلاقی جامعه هستند این اساسی-ترین وجه اشتراک این دو متن است که قابلیت مقایسه را در روایت های این دو اثر به وجود آورده است. با وجود این اشتراک اساسی، مشخصه ساختاری در این دو اثر با توجه به انگیزه-ها و نتایج حاصل از کارکردها متفاوت است. نقطه مشترک در هر دو اثر این است که خشم در زمان بروز به صورت گفتار مستقیم بیان نمی شود؛ چراکه به لحاظ روانی، هیجان شدید حاصل از آن اجازه ظهور کلامی نمی-دهد، پس ترجیحاً با جمله های روایی نوشته می-شود. این مطلب درباره ترس صادق نیست و می توان ترس شخصیت-ها را از زبان خود کنشگران شنید. داستان های کلیله و دمنه تمثیلی هستند و در تمام آنها از دو هیجان خشم و ترس برای پیش برد داستان استفاده شده است، اما در هیچ کدام آغازکننده و پایان بخش داستان این دو هیجان نبوده است. اما در گلستان، که داستان ها غالباً موجز و کوتاه است، این دو هیجان می تواند آغازکننده، اوج داستان یا موضوع گره افکنی باشد. نگاه راوی در روایت-های کلیله و دمنه بر روان شناسی انسانی منطبق است. در عوض، دنیایی که از نگاه سعدی و براساس دو هیجان خشم و ترس ساخته می شود واقعی تر است. سعدی بیشترین حکایات خشم و ترس را (به ویژه خشم) در باب «پادشاهان» گنجانده است. پادشاه که مرکز قدرت جامعه است؛ اما هیجان ترس در مرکز قدرت ظهور ندارد. نصرالله منشی در داستان های فابل و غیر آن برای زنان نقشی اساسی و تأثیرگذار در نظر می-گیرد؛ در حالی-که زنان گلستان در دریافت این هیجان ها واکنشی نشان نمی-دهند، در واقع فقط کنش-پذیرند. در داستان های منتخب از کلیله و دمنه و در برخورد کنشگر خشمگین از طبقه اجتماعی بالاتر با زیردستان، غالباً رفتارهای متقابل دیده می-شود؛ اما در گلستان، واکنش شخصیت مقابل فرد خشم-گیرنده با توجه به جایگاه اجتماعی متفاوت است.

ناقد اول (دکتر نیکزاد):

موضوع جدید و تقریباً به روز است؛ دو اثر بسیار شاهکار و هم اینکه در دوره های متفاوت نگاشته شده، انتخاب شده که هر دو گویای درخشندگی فرهنگ گذشته ما هستند. روایتگر کسی است که روایت می کند؛ در صورتیکه نصرالله منشی و سعدی روایتگر هستند یا خشم و ترس؟؛ منابع برای ادبیات داستانی و علم روایت شناسی بسیار داریم ولی استفاده نشده است؛ اسم 17 اثر که نویسنده خارجی دارند استاد داده شده است؛ در چکیده از ادبیات تعلیمی استفاده شده که لزومی به اشاره کردن به ادبیات تعلیمی نبود؛ کفه روان شناسی مقاله سنگین تر از ادبیات بود، در خطا هم بیشتر به روان شناسی پرداخته اید؛ به اشخاص مورد نظر در کلیله و دمنه بیشتر مانور داده شده تا حیوانات در صورتیکه شیرینی این اثر بر روی حیوانات است؛ بعضی نکات سهو القلمی در مقاله وجود دارد؛ در داستان مادر یک جا دیگ آمده و یک جا کوزه آمده، چرا؟؛ داستان انتخابی شما یک زبان بین المللی است.

ناقد دوم (دکتر اسلامی):

متون ادبی ما به اندازه کافی به روز هستند که بتوان از آنها استفاده کرد، چرا از نظریه های غربی استفاده شده است؟؛ مقاله محتوایی خیلی خوب است ولی به صورت نموداری و به ترتیب و منظم انجام نشده است؛ بحث کنشگر و کنشگران خیلی محدود به انسان شده است و به داستانهای حیوانی باید ورود می کردید؛ کلیله و دمنه متنی است که اصول و قواعد حکومتی را نشان می دهد. کمتر در آن ادبیات تعلیمی صحبت شده است؛ نیرنگ، دورانیشی، سیاست این مراحل در کلیله و دمنه بود که به آن پرداخته نشده است؛ بیشتر مبحث روان شناسی انجام شده تا ادبیات؛ نیاز است که به هدف مولفین توجه شود؛ متن مقاله به تحلیل گفتمان نزدیک شده ولی وارد نشده است.